



۲۰۱۳-۰۸-۲۱

ق کبير

ره آوردی از سفر هند

دو سال قبل در ماه اگست سفری داشتم به جنوب هندوستان. سفری بود نیمه شخصی و نیمه رسمی. طوریکه همه می دانند، هند کشوری است با اقوام، طوایف، مذاهب و زبان ها و السنه مختلف. در ایالت کرالا در جنوب هندوستان، عمدتاً هندوها، مسلمین و عیسوی مذهبیان در صلح و صفا با هم حیات به سر می برند.

بعضاً زیناگوگا (معابد یهودیان) در گوشه و کنار به نظر می رسند. قرار معلوم یهودی ها در رشته انکشاف پروگرام های کمپیوتری با هندی ها همکاری دارند.

صبح روز ۱۵ اگست در حالیکه بصوب اطاق طعام روان بودم، جمعی از کارکنان هتل را در حویلی هتل مشاهده کردم. آنها بیرق هند را بر می افراشتند و با خوشنودی سرود ملی خود را می خواندند. در حالیکه نمی دانستم آنجا چه میگذرد، ایستادم و نظاره گر اوضاع ماندم. زمانیکه مراسم به پایان رسید، یک تن از کارکنان هتل آمده و برای همه ما شیرینی توزیع کرد. وقتی به من نزدیک شد ازوی پرسیدم که این مراسم به چه منظور برگزار گردیده بود. او با غرور کامل جواب داد که امروز، روز تجلیل از شصت و سومین سال استقلال هند است. روز آزادی.

طعام شام همانروز متشکل از غذاهای خاص هندی بود. گروهی از هنرمندان، آهنگ های هندی را می سرودند. این روز نه تنها در هتل ما در کرالا تجلیل می گردید، بلکه جشنی بود که در تمام هند برگزار گردیده بود. هندو، مسلمان، عیسوی و... همه یکسان، روز آزادی هند را به تجلیل نشسته بودند.

هندی ها هم مانند مردمان دیگر کشور های جهان، کنجکاو هستند تا بدانند خارجی ها از کدام ملک جهان آمده اند، شغل شان چیست و آیا به حیث توریست و جهانگرد به کشور شان رفته اند یا جهت انجام کار رسمی و یا اینکه تجارت شخصی. در کشور شان مشغول چه کاری هستند. زمانیکه با آنها هم صحبت می گردیدم، در ضمن سوالات مختلف، به این پرسش مواجه می شدم که از کجا آمده ام، برایشان میگویم که از کشور آلمان و اما آنها اصرار میورزیدند که اصلیت من از کجاست، برای شان توضیح میدادم که من اصلاً افغان هستم و وطن اصلی من افغانستان است. پیشامد همکاران نهایت دوستانه و خودمانی می گردید و بعد از چند سؤال دیگر مرا به یک پیاله چای دعوت می کردند... ریگشاه رانان کرایه را نازلتر طلب می کردند و...، دفعتاً متوجه می شدم که چقدر مهم است از خود وطنی داشت. اندیشیدن به اینکه از خود میهنی نداشته باشی و یا اینکه احساس نمائی میهنیت به تو تعلق ندارد، درد آور است.

هدف از این نوشته، این نیست تا از پیشرفت های هند در دهه های اخیر، مشکلات اجتماعی آن کشور و غیره راپور داده شود، بلکه هدف اصلی و اساسی اینست تا هم میهنان را که با مسؤولیت و آگاهانه در راه سربلندی و سرافرازی کشور شان می اندیشند، یکبار دیگر متوجه مار های آستین نمود که هر لحظه آماده نیش زدن هستند و از هر فرصتی استفاده میکنند تا به افتخارات ملی و میهنی ما و به شخصیت های بزرگ ملی ما و به دست آورد های ماندگار تاریخی ما، نامردانه بتازند و آب به آسیاب دشمن بریزند و بدین گونه لقمه بدست آوردند. چه زیباست میهنی از خود داشتن و روز های تاریخی و ملی میهن را تجلیل کردن و به شخصیت های ملی میهن سرتعظیم فرود آوردن و از آنان به نیکوئی و احترام یاد کردن و به آنها افتخار کردن، فارغ از تنگ نظری ها و تعصبات قومی، مذهبی، زبانی و سمتی و قبیلوی.

ما روزی خوشبخت و سرافراز خواهیم بود و روزی به صلح واقعی خواهیم رسید که همدیگر خود را

درک کنیم و احترام نمائیم و تطبیق قانون را از خود آغاز کنیم و آنرا محترم شماریم. ما روزی گفته می‌توانیم که از خود وطن داریم که بدون هرگونه حب و بغض شخصی، قومی، زبانی و تباری و مذهبی و فارغ از هرگونه قهرمان تراشی و شخصیت پرستی، غلو و اغراق خودنمائی‌ها، همدیگر خود را پذیرا گردیم و چون اعضای یک خانواده بزرگ هم زیستی و زیست باهمی را فراگیریم و اعتماد به همدیگر را که در بیش از ۳۰ سال جنگ نابود گردیده، دوباره بدست آوریم. درست همانند کشور پهناور هند که در آن هندو، مسلمان، و عیسوی و ترسائی، فارغ از تعصبات مذهبی، لسانی، قومی و قبیله‌ای در یک روز مشخص در سر تا سر آن کشور روز استقلال هند را جشن می‌گیرند و دعا می‌خوانند و رقص و پایکوبی میکنند و به روز استقلال خود فخر میکنند.

تا زمانیکه ما افغانها انتقاد از خود را نیاموزیم و انتقاد پذیر نگردیم و یک تغییر کلی را در زندگی سیاسی و مناسبات اجتماعی خود بوجود نیآوریم، بجائی نخواهیم رسید.

حکومت‌ها می‌آیند و می‌روند و کارنامه‌های غیر ملی و غیر مردمی خود را با خود می‌برند، آنچه همیشه بجا می‌ماند، افتخارات ملی یک کشور اند که در اثر جانبازی‌های فرزندان صدیق یک کشور ثبت تاریخ گردیده و همیشه ماندگار می‌مانند. القاب فرمایشی، نام‌گذاری‌های موسمی و از کیسه خلیفه بخشیدن‌های حکومت غیر مسؤل، با رویکار آمدن‌شان به میان آمده و با ساقط شدن‌شان دوباره به فراموشی سپرده میشوند. بگذار جاده‌ها و چهار راهی‌ها را بنام احمد و محمود نام‌گذاری کرده و القاب پر زرق و برق نثار این و آن کنند و پوسترهای احمد و محمود و کلبی و خمینی را در هر چهار راهی و هر جاده نصب کنند، این‌ها همه گذرا اند، اما آنچه ماندنی و جاویدان است، افتخارات واقعی ملی یک کشور است که نسل اندر نسل مانده و برای همیشه هم ماندگار اند و افتخار یک کشور.

اگر امروز حکومت کابل روز حصول استقلال را کمرنگ جلوه می‌دهد، نباید آنرا جدی گرفت و یا افسوس خورد، بلکه افغان‌ها خود در هر کجای دنیا که هستند می‌باید این روز پر افتخار را به وجه شایسته و بایسته آن تجلیل نمایند و یاد قربانیان و شهیدان جنگ استقلال را گرامی بدارند و به جانبازی‌های‌شان افتخار نمایند و بر بانی استقلال کشور غازی امان الله خان درود و دعا بفرستند.

در اینجا لازم میدانم به مناسبت ۹۴ مین سالروز استرداد استقلال کشور، از کارهای پر ارج تحقیقات تاریخی آقای داکتر زمانی در مورد دهه حکومت اعلیحضرت غازی امان الله خان محصل استقلال افغانستان اظهار تشکر و قدردانی نمایم. داکتر زمانی با عشق به افغانستان و فرزندان فداکار و آزادی خواه آن، کتابی بس مهم و با ارزش تاریخی تحت عنوان "بازنگری دوره امانی و توطئه‌های انگلیس" نوشته اند که بگفته تاریخ شناس معاصر کشور جناب سیستانی "یک اثر بی نظیر تاریخی است".

پایان